



زندگی در کشور مابه افسانه می ماند

باتوجه به صحبت آقای دراکس درباره فرهنگ متفاوت ایرانی ها، یکی از حاضران می پرسد، سوئیس هم کشوری چندزبانه است که شما آلمانی نشین های آن هستید. به عنوان کسی که در کشوری چندزبانه و چندفرهنگه زندگی می کنید، زندگی در این کشور را چگونه می بینید؟ آنلیس فون اشتایگر، همسر رومن دراکس که مدرس تاریخ است، به این سؤال جواب می دهد و می گوید:

سوئیس چهار زبان رسمی دارد و کشور شما یک زبان رسمی که در همه مدارس به همان زبان صحبت می شود و حتی در روستاهای دور دست شما هم زبان رسمی فارسی است. اما در سوئیس چند زبان رسمی داریم و این بیشتر شبیه افسانه می ماند که ما می توانیم باهم ارتباط برقرار کنیم. او هم درباره برداشت خود از ایران می گوید: من به همراه همسر به کشورهای بسیاری مسافرت کرده ایم. اما تاریخ ایران عظمت زیادی دارد و ما علاقه داشتیم از نزدیک این عظمت را ببینیم.

زمانی هم که تاجیکستان بودیم و با ملت فارسی زبان آنجا آشنا شدیم، برای ما سؤال بود که ایران با این جغرافیای بزرگ و متفاوت خود، چه فرهنگی می تواند داشته باشد. خوب دوست داشتیم همه این ها را از نزدیک ببینیم. ما کنجکاوی فرهنگی داشتیم.

آیا فردوسی را می شناسید؟

فون اشتایگر اضافه می کند: ایران کشوری دارای تاریخ کهن و دیدنی های بسیار است که سفر با وسیله نقلیه ای جز دو چرخه مانع از دیدن بسیاری

از آن ها می شود. ضمن اینکه من به عنوان یک مدرس تاریخ با انجام این نوع سفر امکان بهتری برای بازنشاسایی مردم کشور مقصد خود پیدا می کنم.

خانم اشتایگر درباره سؤال یکی از حاضران که آیا با شخصیت های برجسته خراسان مانند فردوسی و عطار آشنایی دارد، می گوید: پیش تر از این اطلاعاتی داشتم و با این سفر، علاقه مند شدم که دوباره درباره این موضوع مطالعه کنم.

دوست داشتیم محصولات ارگانیک را از نزدیک ببینیم

در کافه کتاب آفتاب بر تعداد علاقه مندان شنیدن ماجراهای خانواده آقای دراکس اضافه می شود و این خانواده هم خندان تر و با انرژی بیشتری صحبت شان را ادامه می دهند. اما آقای دراکس از دلیل سفرش به خراسان اینطور می گوید: دیدن تولیدات کشاورزی ارگانیک در سطح دنیا برای ما جالب است. در کشور ما حدود ۲۰۰ مزرعه هست که تولیدات ارگانیک دارد و مردم می توانند روزها پیش کشاورزان بمانند و به آن ها کمک کنند. ما هم علاقه مند بودیم با پسته و زعفران ایران آشنا شویم و از نزدیک زمین های کشاورزی را ببینیم.

مجازی آموزش می بینند

سؤال دیگر حاضران درباره فرزندان خانواده دراکس است. اینکه سفر دائمی به درس و مشق آن ها لطمه نمی زند، و اینکه یک روز زندگی آن ها چگونه می گذرد. آیا از این شیوه سفر و زندگی خسته نمی شوند؟ موریس دراکس پسر ۱۲ ساله این خانواده گردشگر درباره برنامه روزانه خود در ایران تا رسیدن به خراسان می گوید: هر روز صبح پس از صرف صبحانه حدود ۲۰ کیلومتر را با دو چرخه رکاب می زدیم. سپس کمی استراحت می کردیم و من و خواهرم بخشی از تکالیف مان را انجام می دادیم. آنگاه حدود ۵۰ کیلومتر دیگر رکاب می زدیم تا به محلی برای خوردن ناهار برسیم. بعد از آن هم کمی استراحت می کردیم و بعد از ظهر هم حدود ۲۰ کیلومتر رکاب می زدیم و سپس برای اقامت شبانه توقف می کردیم. ما خاطر اتمان را هم می نویسیم.

او اضافه می کند: البته اگر در بین راه، مکان دیدنی هم در مسیر مان باشد آن جا توقف می کنیم و ضمن بازدید از بنا و کسب اطلاعات از مردم محلی درباره تاریخچه آن بنا، پدرم چند عکس می گیرد.

پدر هم در ادامه حرف پسرش می گوید: فرزندانم سفر با دو چرخه را بسیار دوست دارند و شکایتی نمی کنند. آموزش آن ها نیز به صورت مجازی و از راه دور انجام می شود و در زمان مشخص امتحان می دهند. آن ها می خواهند دوزبان انگلیسی و فرانسه هم بیاموزند.

موریس دراکس درباره اینکه آیا دوست دارد بار دیگر به ایران سفر کند، نیز می گوید: مردم ایران بسیار مهمان نواز هستند و این باعث می شود آرزو داشته باشیم در آینده به این کشور سفر کنیم. البته این بار دیگر نه با دو چرخه؛ چون بسیار طاقت فرسا و سخت است. می خندد و ادامه می دهد: تنها دلیلی که شاید نخواهیم دیگر به ایران سفر کنیم، دوری راه است.

آقای دراکس و مستند خرس های آلاسکا

سؤال پایانی یکی دیگر از حاضران درباره موضوع مستند های آقای دراکس است. فیلم ساز سوئیس می گوید: فیلمی درباره زنان کوهنورد سوئیس ساخته ام که از تلویزیون سوئیس نمایش داده شد. همچنین برای گروه های رقص آفریقا مستندی تهیه کردم. یکی از آخرین مستندهایم نیز درباره خرس های آلاسکا است که سه سال روی آن کار کردم و سال آینده از تلویزیون سوئیس پخش خواهد شد.

او عنوان می کند که بعد از حضور در کشورهای فارس زبان ایران و تاجیکستان، به فکر ساختن مستندی از این کشورها افتاده است.

دلایل سفرشان به ایران گفتند

من باشکوه

